

مهره هسته‌ای چطور به شطرنج قدرت برگشت؟



گروه سیاست بعد از آنکه توافق برجام در سال ۹۴ به امضا رسید بدعهدی‌های طرف‌های غربی نیز کاملاً عیان شد. آمریکا بر موج تحریم‌های ضدایرانی به‌ویژه در دوره ترامپ افزود و دولت‌های اروپایی هم برای جبران بدعهدی‌های شریک‌نهنها هیچ اقدامی انجام نداد، بلکه به تعهدات برجامی خود نیز پایبند نمانده و همچنان از نظام تحریمی آمریکا حمایت می‌کردند. حجم بدعهدی‌های طرف غربی در مذاکرات به‌حدی بود که ولی‌الله سیف، رئیس کل وقت بانک مرکزی عواید حاصل از برجام برای کشور را تقریباً صفر توصیف کرد. در سوی مقابل اما ایران تمامی تعهدات برجامی خود را انجام داده و بدون اینکه دست‌انبریز برای الزام غربی‌ها به اجرای توافق داشته باشد برگ برنده خود را از دست داده بود. تداوم این مسیر منفعلانه باعث شد آمریکا در دوره ترامپ ترغیب به کنار گذاشتن کامل برجام داشته و در سال ۹۷ به‌طور کامل از آن خارج شود؛ چرا که اهداف خود را از برجام محقق شده دیده و توجیهی برای پرداختن هزینه سیاسی تداوم برجام در مقابل کنگره نمی‌دید. آنچه باعث می‌شد این تصور ضدایرانی کنار گذاشته‌شود تنها اتخاذ یک راهبرد تقابلی و فعالانه از جانب تهران بود. راهبردی که به طرف غربی نشان دهد تداوم مسیر سابق دیگر قرار نیست بی‌هزینه باشد. ایده تصویب قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها نیز با چنین هدفی در دستور کار قرار گرفت. مطابق این قانون ایران در پاسخ به بدعهدی غربی‌ها باید گام‌به‌گام از تعهدات برجامی خود می‌کاست که همین امر صورت پذیرفت و اقدامات محدودیت‌زای برجامی که دیگر لزومی به اجرای آن نبود، متوقف شد. بعد از گذشت چندسال از این ماجرا برخی با نادیده گرفتن بدعهدی غربی‌ها زبان به انتقاد اقدام فعالانه مجلس گشوده و آن را عاملی محدودیت‌زا در مسیر دستاوردهای برجامی توصیف می‌کنند، حال آنکه تا پیش از این اقدام برجام عملاً از کارکرد افتاده بود و آنچه دولت‌های اروپایی و آمریکا را بار دیگر پای میز مذاکره کشاند همین اقدامات تقابلی ایران بوده است. ایجاد پویایی مجدد برای احیای برجام اساساً پس از آن صورت گرفت که ایران شیوه دیپلماسی خود را تغییر داد و به‌سمت احیای برگ‌های برنده خود رفت. مرور این مسیر طی شده مایهت تحسین برانگیز و راهبردی اقدام مجلس را به‌وضوح نشان می‌دهد. رهبر انقلاب نیز روز گذشته در دیدار با نمایندگان مجلس این‌گونه از قانون اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها تمجید کردند: «برخی از این قوانینی که شما در مجلس تصویب کردید، قوانین راهبردی است برای کشور که واقعاً جای احترام و تمجید دارد. قانون اقدام راهبردی کشور را از سرگردانی در قضیه هسته‌ای نجات داد. این قانون کاملاً مشخص کرد که باید چه کار کنیم، الان هم داریم نشانه‌هایش را در دنیا مشاهده می‌کنیم.» در ادامه ضمن بررسی چرایی اهمیت اقدام مجلس در تصویب قانون اقدام راهبردی لغو تحریم‌ها، به‌مرور استراتژی مشابهی پرداخته‌ایم که دولت آمریکا از همان روزهای ابتدایی مذاکرات با هدف امتیازگیری هرچه بیشتر از ایران آن را به کار گرفت.

قانونی که ضامن بقای روند مذاکرات شد

قانون موسوم به اقدام راهبردی که از ابعاد آن گفتیم و زمینه‌های تدوینش را بازخوانی کردیم و به‌مرور شرایط ایران و کشورهای به‌ظاهر عضو برجام در زمان تصویب این قانون در تهران پرداختیم؛ مصوبه‌ای که تصویبش در روزهایی به سرانجام رسید که تیتراژ یک رسانه‌های ایران به تهور محسن فخری‌زاده، پنجمین دانشمند هسته‌ای شهید که در روز روشن در کشور ترور شد، اختصاص پیدا کرده بود. نکته‌ای که بعد از گذشت حدود دو سال درباره این مصوبه مجلس وجود دارد آن که به راحتی می‌توان با بررسی شرایط مذاکرات قبل و بعد از تصویب این قانون در مجلس ایران، به این قضاوت رسید که مصوبه نمایندگان تحت عنوان «قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران» در نهایت روند مذاکرات را متوقف کرده با اتفاقاً برعکس، باعث تداوم آن شده است. روندی که در ادامه به آن می‌پردازیم. نکته

گفت‌وگو

بررسی اثر توافق ایران و عربستان بر تعامل کشورهای منطقه با ایران در گفت‌وگو با حسن هانی‌زاده، کارشناس مسائل منطقه

سال ۱۴۰۲ سال همگرایی و صلح پایدار در منطقه خواهد بود

تحولات منطقه دارد. گرچه بعد از انقلاب اسلامی، سیاست‌های این کشور باعث شده بود تا روابط بین قاهره و تهران از حد دفاتر حفظ منافع فراتر نرود، اما در حال حاضر ریزشی‌هایی جهت ارتقای سطح روابط دو کشور در حال انجام است و احتمال بازگشایی قریب‌الوقوع سفارتخانه‌های دو کشور نیز وجود دارد. لازم به ذکر است که ایران و مصر مناسبات دیرینه‌ای با یکدیگر داشته‌اند اما این رابطه در طول صد سال اخیر همواره تحت‌تاثیر فضا‌سازی‌های خارجی و منطقه‌ای قرار گرفته است. در سال‌های اخیر نیز بحث ارتقای مناسبات ایران و مصر برقرار بوده و وزارت خارجه مصر از سال‌ها پیش به افزایش سطح روابط با ایران متمایل بوده اما دستگاه‌های امنیتی مصر به دلایل مختلفی از جمله جایگاه ایران در میان توده‌های مردم مصر -چه اهل سنت و چه شیعیان- همیشه از نفوذ ایران بی‌مناک بوده‌اند. اما اخیراً تمایل دستگاه دیپلماسی مصر به افزایش سطح روابط بیشتر شده است و به نظر می‌رسد که در آینده مناسبات مصر و ایران به سطح قابل قبولی ارتقا پیدا کند. خصوصاً اینکه رابطه اقتصادی بین دو کشور نیز همیشه رابطه خوبی بوده و سرمایه‌گذاری ایران در صنایع مختلف مصر از جمله نساجی برای این کشور سودآور بوده و طبیعی است که مصر به دنبال احیای چنین ظرفیت‌هایی باشد. همچنین با توجه به ظرفیت بالای مصر در جهان عرب و جهان اسلام، اگر این کشور به ایران نزدیک شود بسیاری از مشکل‌های منطقه از جمله مساله فلسطین حل خواهد شد و منطقه به سمت ثبات، آرامش و توسعه پایدار حرکت خواهد کرد.

منطقه و همچنین سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی به امارات و عراق هم حاکی از این است که دیپلماسی منطقه‌ای دولت سیزدهم اثرگذار و موفق بوده است. به همین دلیل بسیاری از کشورهای عرب منطقه از جمله امارات، بحرین، اردن و مصر تمایل دارند که مشکلات خود را با ایران برطرف کنند. به هر میزان که ایران به این کشورها نزدیک‌تر شود به‌طور طبیعی همونی آمریکا در منطقه ضعیف‌تر می‌شود و رژیم صهیونیستی در انزوا بیشتری قرار خواهد گرفت. به همین دلیل است که می‌توان آمریکا و رژیم صهیونیستی را از اصلی‌ترین بازندگان بهبود روابط ایران و کشورهای عرب منطقه دانست. زیرا این توافقات باعث کاهش تقابلات ایران و کشورهای منطقه می‌شود. لذا در مجموع به نظر می‌رسد منطقه در آستانه تحولات جدی و مهمی قرار دارد و سال ۱۴۰۲ سال همگرایی و صلح پایدار در منطقه خواهد بود. عربستان سعودی بعد از سال‌ها ایفای نقش تهاجمی در مقابل ایران، چه در سوریه، چه در عراق و چه در یمن، الان به این نتیجه رسیده است که این تنش‌های سودی برای ریاض نخواهد داشت. لذا دولت عربستان تمایل پیدا کرده است که به ایران نزدیک شود. در طرف مقابل هم، دولت سیزدهم به دنبال کاهش تنش‌ها است. نشست اخیر وزرای خارجه ایران و روسیه و ترکیه و سوریه در مسکو و همچنین سفرهای مسئولان مختلف کشورهای عرب منطقه به ایران از جمله رئیس‌جمهور عراق، نشان می‌دهند که فضای تعامل و همکاری بین ایران و کشورهای عرب منطقه توسعه پیدا کرده است. مصر هم یکی از کشورهای بزرگ جهان عرب است که نقش مهم و اثرگذاری در



روایت شده بود که تصویری پیروزمندانه به نفع کاخ سفید روایت شود. این امر اولاً با این هدف صورت گرفت که از فشارهای کنگره کاسته و اتهام عقب‌نشینی را از روی تیم مذاکره‌کننده آمریکا بسردارد. هدف دیگر این مدل روایت یکجانبه این بود که آمریکا در ادامه مذاکرات ابزار امتیازگیری در مقابل ایران داشته باشد. آمریکایی‌ها همچنین بارها در طی مذاکرات با هدف جلوگیری از تحقق ایران فشارهای کنگره را مورد اشاره قرار داده و از ایران درخواست عقب‌نشینی داشتند. دیپلمات‌های آمریکایی به این شیوه هرگونه مطالبه ایران را به کنگره حواله داده و هزینه فشارهای یک نهاد داخلی آمریکا را به ایران تحمیل می‌کردند. در همین راستا بعد از آنکه ایران بدون نقض توافق نامه ژنوئیک سانترفیوژ IRA در سایت نطنز راه‌اندازی می‌کند وندی شرمین معاون وزیر خارجه آمریکا به آن واکنش نشان داده و در جلسه تیم مذاکره‌کننده ایرانی اقدام ایران را تحریک‌کننده توصیف کرده این خواسته را مطرح می‌کند که با توجه به فشارهای کنگره ایران این سانترفیوژ را از نطنز خارج کند. بهمن‌ماه سال ۹۴ درحالی که تیم‌های مذاکره‌کننده ایران، اروپا و آمریکا در زوریخ سوئیس در حال گفت‌وگو بودند به یک‌باره جان کری وارد اتاق مذاکره کرده و با هدف تحت فشار قرار دادن تهران خطاب به تیم مذاکره‌کننده ایرانی می‌گوید: «لطف کنید از آقای ظریف خواهش کنید که در ایران با رهبری، رئیس‌جمهور یا هر کسی که تصمیم می‌گیرد، صحبت کند و بگوید آمریکا به آخرین حد خود رسیده است. الان زمان تصمیم‌گیری است. الان دو طرف باید آخرین تصمیم خود را بگیرند. ما آخرین تصمیم خود را گرفته‌ایم. پیشنهادی داده‌ایم که دیگر از آن نمی‌توانیم فراتر برویم.» کری در ادامه این ادبیات به ظاهر متمسکانه را این‌گونه به اهرم فشار کنگره مزمین می‌کند: «فراموش نکنید ما و شما در خلال مذاکره نمی‌کنیم. موفقیت‌های اخیر ایران در یمن، لبنان، سوریه، عراق و... نزد بسیاری از محافل آمریکا دردسر ساز شده و کنگره و دیگران را حساس کرده است. با چنین فضای نیل به یک توافق هسته‌ای آسان نیست.» نقطه اولی به‌وجه برداری آمریکا از اهرم کنگره را می‌توان در تقلیل مایهت برجام از یک معاهده حقوقی به یک تفاهنامه مشاهده کرد. هنگامی که نشست‌های ویسن (۱۴) پایان یافت، یکی از موضوعاتی که خود را بیش از گذشته نمایانند در این پرسش خلاصه شده بود که «متنی که بر سر آن توافق می‌شود، از چه مایهتی باید برخوردار باشد؛ معاهده، تفاهنامه، پیمان یا قرارداد؟» هیات مذاکره‌کننده آمریکایی تکلیف خود را به دلیل مشکلی که دولت آقای اوباما با اکثریت کنگره متعلق به جریان سیاسی مقابل داشت، به این گونه روشن کرد که نمی‌توانند از عنوان پیمان استفاده کنند، زیرا در آن صورت سسند باید به کنگره ارجاع شده و روند خاصی را طی کند. آمریکایی‌ها برای اجتناب از رفتن به کنگره و کسب موافقت ساختار تقنینی خود، علاقه‌نراند توافق نهایی در قالب یک پیمان یا توافق می‌شود، از چه مایهتی باید برخوردار باشد؛ می‌دهند. لذا عنوان «برنامه اقدام جامع» را توصیه می‌کنند. ظریف ضمن موافقت کلی با حفظ شکل ساختاری «برنامه» برای هر گونه توافقی عنوان «برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)» را پیشنهاد کرد که در ادامه مورد موافقت بقیه اعضای «پنج‌به‌اضافه یک» نیز واقع شد. مرور فرآیند مذاکرات نشان می‌دهد که طرف آمریکایی بارها از اهرم کنگره برای فشار بر ایران و طفره رفتن از تعهدات خود استفاده کرده است. در تقابل با چنین مواجهه‌ای طبعاً ایران نیز باید حداقل راهبردی مشابه را در پیش گرفته و نهادهای داخلی را برای به توازن رساندن میزان مذاکرات فعال تر کند. اگر قرار باشد از چنین عینکی به ماجرا نگاه کنیم آن زمان قانون اقدام راهبردی نه تنها مانع توافق با آمریکا تلقی نشده بلکه اهرمی است در جهت ایجاد توازن در میز مذاکره که چه‌بسا اگر زودتر از خروج ترامپ از برجام فعال می‌شد نوع مواجهه کاخ سفید با برجام را نیز تغییر می‌داد.

منطقه و همچنین سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی به امارات و عراق هم حاکی از این است که دیپلماسی منطقه‌ای دولت سیزدهم اثرگذار و موفق بوده است. به همین دلیل بسیاری از کشورهای عرب منطقه از جمله امارات، بحرین، اردن و مصر تمایل دارند که مشکلات خود را با ایران برطرف کنند. به هر میزان که ایران به این کشورها نزدیک‌تر شود به‌طور طبیعی همونی آمریکا در منطقه ضعیف‌تر می‌شود و رژیم صهیونیستی در انزوا بیشتری قرار خواهد گرفت. به همین دلیل است که می‌توان آمریکا و رژیم صهیونیستی را از اصلی‌ترین بازندگان بهبود روابط ایران و کشورهای عرب منطقه دانست. زیرا این توافقات باعث کاهش تقابلات ایران و کشورهای منطقه می‌شود. لذا در مجموع به نظر می‌رسد منطقه در آستانه تحولات جدی و مهمی قرار دارد و سال ۱۴۰۲ سال همگرایی و صلح پایدار در منطقه خواهد بود. عربستان سعودی بعد از سال‌ها ایفای نقش تهاجمی در مقابل ایران، چه در سوریه، چه در عراق و چه در یمن، الان به این نتیجه رسیده است که این تنش‌های سودی برای ریاض نخواهد داشت. لذا دولت عربستان تمایل پیدا کرده است که به ایران نزدیک شود. در طرف مقابل هم، دولت سیزدهم به دنبال کاهش تنش‌ها است. نشست اخیر وزرای خارجه ایران و روسیه و ترکیه و سوریه در مسکو و همچنین سفرهای مسئولان مختلف کشورهای عرب منطقه به ایران از جمله رئیس‌جمهور عراق، نشان می‌دهند که فضای تعامل و همکاری بین ایران و کشورهای عرب منطقه توسعه پیدا کرده است. مصر هم یکی از کشورهای بزرگ جهان عرب است که نقش مهم و اثرگذاری در